یادداشت

چرا باید علیه دشمن متحد شویم؟

ادامه از صفحه اول

این مفهوم به‌ویژه در بسترهای کنونی که نظام‌های نه‌چندان دموکراتیک معمولا درگیر جنگ‌هایی هستند که احساسات ملی‌گرایانه را برمی‌انگیزند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

دفاع از وطن به‌عنوان یک استراتژی

بینش‌های گرامشی نشان می‌دهد نیروهای مخالف می‌توانند در دفاع از کشور شرکت کنند تا مشروعیت به دست آورند و موقعیت خود را در بلندمدت تقویت کنند. این رویکرد واقع‌گرایانه، این واقعیت را تأیید می‌کند که هرچند نظام سیاسی ممکن است کاملا دموکراتیک نباشد، اما تهدیدی که از سوی دشمنان خارجی متوجه می‌شود، نیاز به یک جبهه ملی متحد را ایجاب می‌کند. در این سناریو، نیروهای مخالف می‌توانند با مشارکت خود در دفاع ملی، خود را به‌عنوان بازیگران مسئول معرفی کرده و از نقش صرفا معترض فاصله بگیرند و به تدریج حمایت عمومی را جلب کنند. برای مثال، در دوران جنگ سرد، گروه‌های مختلف چپ‌گرا در آمریکای لاتین با این معضل روبه‌رو شدند که آیا از نظام‌هایی که در حال دفاع از خود در برابر امپریالیسم خارجی بودند، حمایت کنند یا خیر. مفاهیم «جنگ موضعی» و «جنگ مانور» گرامشی، چارچوبی ارزشمند برای درک پیچیدگی‌های مبارزات ایدئولوژیک، ارائه می‌دهد. بینش‌های او بر ضرورت سازش‌های تاکتیکی در دوران جنگ تأکید می‌کند و رویکردی ظریف به استراتژی‌های مخالفان را ترویج می‌کند. با تداوم درگیری‌های معاصر در سطح جهانی، نظریات گرامشی همچنان مرتبط باقی می‌مانند و چشم‌اندازهای مهمی را برای کسانی که در تلاش برای به چالش کشیدن نظام‌های غیردموکراتیک یا نیمه‌دموکراتیک هستند، ارائه می‌دهند. مفهوم هژمونی در اندیشه گرامشی به مفهوم «ملی-مردمی» او گره خورده است. این مفهوم از فراخوان او برای متمرکزکردن نیازها و دغدغه‌های توده‌ها در زمینه سازماندهی سیاسی نشئت می‌گیرد. به این ترتیب، ملی-مردمی به‌عنوان روشی برای متمرکزکردن سیاست‌های هژمونی در سنت‌های ملی بروز می‌کند و نباید از پرسش‌ها و مسائلی که بر سیاست‌های محلی تأثیر می‌گذارد، فاصله بگیرد. هر نیروی اجتماعی حاکم که در پی ایجاد هژمونی است، باید ویژگی ملی-مردمی به خود بگیرد تا به یک نیروی مردمی تبدیل شود. این فرایند به طرز پیچیده‌ای با شکل‌گیری هژمونی پیوند دارد: حرکت از منافع اقتصادی و سیاسی محلی به منافع ملی، تشکیل ائتلافی سیاسی که نماینده باشد و تمرکز بر نبرد ملی‌گرایانه برای هژمونی، درحالی‌که بین‌المللی‌گرایی و منطقه‌گرایی نیز همچنان از اهمیت برخوردارند. بنابراین می‌توان مشاهده کرد که در اندیشه گرامشی، هژمونی و ملی-مردمی پیوند ناگسستنی دارند. آشکارتر از هر روشنایی است که در این لحظات یک وجه به‌شدت فوری از ملی‌گرایی به‌طور ریشه‌ای در مقابله با روحیه تجاوزطلبی و استعمارگرانه اسرائیل و محکوم‌کردن هر نوع حمله یا تهدید به حمله نظامی به کشورمان نهفته است. هر نیروی سیاسی پیشرویی که بخواهد از این وجه قطعی ملی‌گرایی فاصله بگیرد -مثلا با بی‌اعتنایی به تهدید تمامیت ارضی ایران از سوی اسرائیل یا فاجعه‌بارتر از آن همراهی با آن- وداعی احتمالا ابدی با هژمونی خواهد گفت.

گزارشی از روستای حاجی‌آباد- مهاباد که کودکانش یک پل تا آرزو فاصله دارند

اگر پل داشتیم...

سوما توتونچی

آهی کشید و با صدای گرفته‌اش گفت: «مستوره کلاس سوم ابتدایی بود. در حال بازگشت به خانه، داخل رودخانه افتاد و غرق شد». اینها جمله‌های مادری است که ۱۵ سال پیش دخترش، جگرگوشه‌اش را بی‌جان از آب گرفت. قیمت خانم، کمی سکوت کرد و گفت «اگر پل داشتیم، این اتفاق نمی‌افتاد».

در ایوان خانه‌ای در آبادی حاجی‌آباد، روی زیراندازی قرمز نشسته‌ام. اهالی روستا از پیر و جوان و کودک دور من جمع شده‌اند. هرکدام‌شان داستانی برایم روایت می‌کنند. از تاریخ روستا تا امکاناتی که حسرتش را به دل دارند؛ از جمله یک پل که بچه‌های روستا بتوانند با آن به مدرسه بروند.

دانش‌آموزان روستا هر روز سوار بر یک قایق مستهلک، عرض رودخانه را برای رفتن به مدرسه طی می‌کنند. حاجی‌آباد یک روستای خانوادگی در بخش مرکزی مهاباد در استان آذربایجان غربی است. رودخانه مهاباد این آبادی را از روستای بزرگ‌تری به نام «لج» جدا می‌کند.

صحبت‌هایم را با حاجی مصطفی توسی ۹۰ساله و ریش‌سفید آبادی ادامه می‌دهم. مانند بسیاری، از روزگار گله‌مند است و گذشته را با تمام سختی‌هایش باصفاتر و صمیمی‌تر توصیف می‌کند. با این حال به آینده امیدوار است.

وقتی درباره تاریخ روستا از او پرسیدم، این‌گونه جواب داد: «در دهه ۴۰ به اینجا آمدم. تنها یکی، دو خانواده دیگر اینجا بودند. به کشاورزی و دامداری مشغول شدیم و کم‌کم اینجا را آباد کردیم».

حاجی‌آباد از همه امکانات محروم است. طرح‌های هادی و به‌سازی به اینجا راه پیدا نکرده‌اند. نه راه آسفالتی دارد، نه مدرسه، مسجد و مرکز بهداشتی.

این در حالی است که در شهرستان مهاباد و شهرستان‌های دور و بر کم نیستند شمار روستاهایی که به مراتب کوچک‌تر و کم‌جمعیت‌تر هستند، اما از این امکانات بهره‌مند شده‌اند.

کاک موسی، یکی از اهالی آبادی، آمار جمعیت را با ماشین حسابش جمع و تفریق می‌کند؛ ۶۸ نفر در روستا زندگی می‌کنند. با خنده می‌گوید که دو تا «توراهی» هم داریم و قرار است که به‌زودی ۷۰ نفر شویم. به گفته اهالی ۱۸ خانواده در این آبادی زندگی می‌کنند. در اکثر خانواده‌ها کودکانی هستند که رؤیای درس‌خواندن و رفتن به دانشگاه را در سر می‌پرورانند و به نظر می‌رسد تنها یک پل با آرزوهای خود فاصله داشته باشند. چند سالی است که اهالی وسیله نقلیه دارند، اما جاده خاکی روستا تعریفی ندارد. اگر برف و بارانی در کار نباشد، با طی‌کردن مسیری ۲۰دقیقه‌ای، بچه‌ها به مدرسه می‌رسند. با این حال مسیر رودخانه برای کودکان مشتاق هنوز نزدیک‌ترین راه است.

این مسافت نزدیک، مخاطرات و تلخی‌هایی را نیز با خود به همراه داشته است. پدر مستوره با وجود گذشت ۱۵ سال از مرگ فرزندش، کماکان سوگوار اوست و روزانه بچه‌ها را برای رفتن به مدرسه با قایق همراهی می‌کند.

بچه‌ها داستان مستوره را می‌دانند و هرکدام از آنها حداقل یک بار با چنین ترسی مواجه شده‌اند. با رسیدن فصل سیل، برف و سرما این ترس در بین مردم حاجی‌آباد نیز بیشتر می‌شود. مردم در برخی از روزهای برفی و بارانی از قایق استفاده نمی‌کنند. گاهی دانش‌آموزان تا به مدرسه برسند، زنگ اول را از دست می‌دهند. آنها تجربه یک هفته نرفتن به مدرسه را نیز دارند؛ تجربه‌ای که وجود یک مسیر عبور امن، مانع از تکرار آن می‌شود.

یکی دیگر از زنان روستا که او را حاجیه خانم صدا می‌زنند، می‌گوید در صبح‌های سردی که آب یخ می‌زند، برای رسیدن بچه‌ها به مدرسه مجبورند سطح یخ‌بسته رودخانه را بشکافند و روزهای بارانی بهار، خطر این عبور را به جان می‌خرند تا سر وقت دانش‌آموزان را به مدرسه برسانند.

خیس‌شدن کفش، کیف و لباس نیز هنگام سوارشدن بر این قایق پیشامد جدیدی نیست. گاهی هم برای هدایت قایق، مردم مجبورند داخل آب بروند. یکی از زنان آبادی از روزی می‌گوید که برای فرستادن خواهرش به مدرسه مجبور شده است داخل آب برود و نصف بدنش در داخل آب بوده است.

آن‌طور که خودشان می‌گویند، نوجوانان این آبادی اغلب محکوم به ترک تحصیل هستند. این موضوع درباره دختران بیشتر به چشم می‌خورد. راه سخت و دوری از دبیرستان منطقه بر رنج محرومیت آنها افزوده است. با این حال چند نفر از نسل جوان به دانشگاه می‌روند؛ اما حسرت ادامه تحصیل به دل خیلی‌ها مانده است.

اهالی آبادی در سال‌های متمادی و در هر نسل، درخواست‌های خود را که در رأس آن ساخت یک پل است، به گوش مسئولان امر رسانده‌اند. حاجی‌آباد اکنون روی نقشه نیست، دهیار ندارد و در تقسیمات رسمی از روستای لج جدا شده و به بخشداری مهاباد پیوسته است.

حاجیه خانم می‌گوید اگر فقط یک پل کوچک برای رفت‌وآمد داشتیم، یک قرن جلوتر از امروزمان بودیم.

مردم روستای حاجی‌آباد، به دنبال رشد و آبادی هستند. بخش بزرگی از این تحولات، در گرو یک مسیر امن به آن سوی آب است. اگرچه صدای کودکانه مستوره در لابه‌لای امواج خاموشی گرفت، اما نوایی امیدوارانه در گوش آبادی هنوز می‌خواند.

نگاه

گزارش «شرق» به مناسبت روز جهانی نابینایان

من و عصای سفیدم

شرق: «آرام و گوشه‌گیر است. بیشتر روز را گوشه‌ای از خانه می‌نشیند و سرش را با کتاب‌های مخصوص خودش گرم می‌کند. مادرش هنوز هم داغ‌دار ۱۱سالگی پسرش است؛ روزی که پزشکان از ابتلای پسرش به بیماری آرپی خبر دادند. با سوز دل تعریف می‌کند که آن روز همه خانه در نظرم سیاه شده بود. صدای هق‌هق گریه‌های همسرم در خانه می‌پیچید. آدم گاهی در زندگی کم می‌آورد و از آن روز تا الان واقعا من مرده‌ام. آن روز را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم. امیرحسین، پسرم، خودش منگ این خبر بود و مدام می‌گفت مامان یعنی قرار است من دیگر جایی را نبینم؟».

بیماری آرپی، یک بیماری ارثی چشمی است که باعث اختلال بینایی می‌شود. در مراحل اولیه، فرد در ساعاتی از شب دچار مشکل شده و با پیشرفت بیماری دید او در روز نیز کاهش پیدا می‌کند. علت کاهش دید ناشی از زوال تدریجی گیرنده‌های نوری شبکیه است. این بیماری در سنین مختلف خود را نشان می‌دهد. گاهی در سن کودکی و گاهی در بزرگسالی کم‌کم باعث نابینایی یا کم‌بینایی فرد می‌شود. همچنین در روزهای قبل، مدیرعامل انجمن حمایت از بیماران چشمی آرپی، با بیان ابتلای حدود ۳۵ هزار نفر به این بیماری در کشور، از شناسایی هفت‌هزارو ۵۰۰ بیمار توسط این انجمن خبر داد. تهمینه یگانه در مورد این موضوع گفته بود: بیماری چشمی آرپی یک بیماری نادر و وراثتی محسوب می‌شود که ممکن است نخستین علائم این بیماری در اوایل کودکی بروز کند.

متخصصان علم چشم‌پزشکی می‌گویند این بیماری به‌طور معمول هر دو چشم بیمار را مبتلا می‌کند، به طوری که علائم آن از ضعف بینایی و کاهش میدان دید شروع شده و به‌تدریج با پیشروی آسیب‌دیدگی شبکیه، بینایی فرد از بین می‌رود. بیشتر این بیماران در کشورهای درحال‌توسعه از جمله ایران زندگی می‌کنند و سن ابتلا یا آغاز دوره بیماری ۱۰ تا ۲۵ سالگی است. آرپی یک بیماری ارثی پیش‌رونده است که به طور معمول با کاهش دید در شب در سنین جوانی شروع می‌شود و در پی آن به‌تدریج بینایی فرد محدود می‌شود و در مرحله بعد دید مستقیم و مرکزی بیمار کاهش می‌یابد و درنهایت، باعث نابینایی می‌شود. انجمن بیماران چشمی آرپی در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و سعی می‌کند از طریق مشاوره، برگزاری کارگاه‌های مختلف، روان‌شناسی، ارائه خدمات دندانپزشکی و معاینات دوره‌ای، کیفیت زندگی این بیماران را ارتقا دهد. همچنین میترا ساکت، متخصص ژنتیک، در این زمینه گفته بود: در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد موارد آرپی با درگیری دیگر اعضای بدن همانند سیستم شنوایی، دستگاه گوارش، کبد، کلیه، سیستم اعصاب مرکزی و عضلات همراه هستند. شایع‌ترین بیماری در این گروه که به همراه اختلالات شنوایی است، سندروم است. در این بیماری ناشنوایی یا اختلال شنوایی شدید از بدو تولد وجود دارد و به‌تدریج دید بیمار نیز به واسطه ایجاد تغییرات آرپی کاهش می‌یابد. ازدواج‌های فامیلی مهم‌ترین عامل ابتلا به بیماری چشمی آرپی است. این بیماری بر اثر جهش ژنتیکی اتفاق می‌افتد. بیش از ۸۰ نوع ژن در آرپی تشخیص داده شده که منجر به نابینایی می‌شود. انجام معاینات دوره‌ای برای تشخیص این بیماری ضروری است و باید آزمایش ژنتیک نیز داده شود. برای دستیابی به روش‌های درمانی نوین این بیماری لازم است دولت بودجه کافی را در اختیار مراکز تحقیقاتی قرار دهد. البته برخی از پزشکان بیماران را تشویق به استفاده از سلول‌های بنیادی برای درمان نابینایی می‌کنند که از لحاظ علمی تأیید نشده و فرد بعد از مدتی کوتاه بینا می‌شود، دوباره دچار اختلال در دید و نابینایی می‌شود.

دیپلماسی در دشوارترین شرایط

ادامه از صفحه اول

اما رسیدن به دیپلماسی با تأخیر، بهتر از هرگز به دیپلماسی نرسیدن است. اگر دیپلماسی را به اعلام موضع و تبادل نظر تقلیل ندهیم و به آن به‌مثابه کاری مستمر و درازمدت و گام‌نهادن در مسیر اعتمادسازی و ائتلاف‌سازی نگاه کنیم، حتما دیر یا زود نتیجه خواهیم گرفت. شروع یک روند مذاکراتی مانند آنچه آقای عراقچی شروع کرده است، خود بخشی از هدف است. مذاکره حتما نباید مشروط به نتیجه‌بخش بودن آن باشد. مذاکره محور اصلی دیپلماسی است و اگر یک روند مذاکراتی هیچ حاصل ملموسی نداشته باشد، نفس انجام آن و آشنایی کنشگران مربوطه با هم و تفهیم و تفاهم و آشنایی دقیق و دست اول با مواضع یکدیگر، خود یک پیروزی است.

برای «اول» شدن

ادامه از صفحه اول

در این مدت، عمده تأکید ایشان روابط با روسیه و چین و پیمان‌های شانگهای و بریکس و... بوده است. چنان‌که در سفر اخیرشان به ترکمنستان و در دیدار با رئیس‌جمهور روسیه بر «صمیمانه و راهبردی» بودن روابط دو کشور و امضای هرچه زودتر «سند راهبردی» تأکید کردند و اینکه ایران و روسیه «ظرفیت‌های متقابل و مکمل خوبی دارند و... مواضع ما در دنیا خیلی نزدیک‌تر از دیگران به یکدیگر است» (سایت ریاست‌جمهوری- ۷/۲۰). این در حالی است که به لحاظ اقتصادی، ایران و روسیه با توجه به نفتی‌بودن اقتصاد هر دو کشور و اتکای آنها به صنایع منبع پایه، رقیب یکدیگرند و به لحاظ سیاسی نیز روابطشان خالی از چالش‌های جدی نیست (طرفداری از آذربایجان در موضوع دالان زنگزور، دفاع از مواضع امارات درباره جزایر ایران و...).

بی‌شک رابطه با دو قدرت شرقی و پیمان‌هایی همچون بریکس و شانگهای و اوراسیا امری مهم و فرصتی برای کشورمان است، اما مشروط بر آنکه این روابط در چارچوب منافع ملی و متناسب با نیازمندی‌های کشور برای حضور در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی تعریف شود (کاری که اقتصادهای نوظهور مانند هند، برزیل، آرژانتین، اندونزی و... در میانه دعواهای چین و روسیه و آمریکا می‌کنند) نه آن‌چنان که رئیس‌جمهور روسیه می‌خواهد «نظم نوین جهانی جدید برای متحدان مسکو ایجاد کند تا با غرب مقابله کنند» (دنیای اقتصاد-۷/۲۲) و متأسفانه نگاه غالب در سرفصل «سیاست خارجی» برنامه هفتم توسعه (مواد ۱۰۰ و ۱۰۱) نیز همین است. چنان‌که در بند الف ماده ۱۰۱ بر «تمرکز بر پیوندهای اقتصادی با همسایگان و کشورهای آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین و قدرت‌های نوظهور و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان همکاری شانگهای» و «کمک به ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی با تأکید بر استفاده از ظرفیت سازمان‌های شانگهای، بریکس، اکو و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و...» تأکید شده است و اشاره‌ای به همکاری با کشورهای غربی به‌عنوان کشورهای صاحب سرمایه، علم و تکنولوژی نشده که جامعه ایران به شدت به آنها نیازمند است. آن‌چنان که مرکز آمار از تنها ۶۸۷ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۴۰۱ در کشورمان خبر می‌دهد و اوج این سرمایه‌گذاری‌ها در دو دهه اخیر را مربوط به سال ۹۱ با ۴.۵ میلیارد دلار ذکر می‌کند. این در حالی است که برای تحقق رشد هشت‌درصدی برنامه هفتم توسعه به گفته خود آقای پزشکیان، نیاز به ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی است (و البته معادل ۱۰۰ میلیارد دلار نیز سرمایه داخلی). سرمایه‌ای که در درجه اول نیازمند امنیت است (زیرشاخص‌های: ثبات اقتصاد کلان، تضمین حقوق مالکیت، فرهنگ وفای به عهد، شفافیت و سلامت اداری، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری، مصونیت جان و مال شهروندان از تعرض و...) و آخرین گزارش پایش امنیت سرمایه‌گذاری مرکز پژوهش‌های مجلس از وخیم‌بودن این مؤلفه در بهار امسال خبر می‌دهد: ۵.۷۷ از ۱۰ (۱۰ بدترین حالت).

اگر امروز رئیس صندوق توسعه ملی از بحران عمیق در این صندوق توسعه‌ای سخن می‌گوید، صندوقی که البته ظاهرا کف‌گیر آن نیز به ته دیگ خورده و از ۱۶۰ میلیارد دلار ورودی آن تنها ۱۵ میلیارد دلار باقی مانده (اعتماد- ۷/۱۸) و البته فشارهایی که همین ته‌مانده را هم تخلیه کنند، ناشی از این نیاز حیاتی به سرمایه است و کویر داغی که در چشم‌انداز است: «راستی این نهال نوپای غرس‌شده برای ثمردهی به نسل آتی، حال بی هیچ تغذیه‌ای آن هم در منطقه داغ کویر و زیر تیغ تیز شاخه آویزانان و صف طویل سبد میوه‌چینان تا چه روزی امکان حیات و مانایی دارد؟ (غضنفری، رئیس صندوق توسعه ملی - ۷/۲۱).

کشور اول منطقه شدن غیر از آرزوکردن، اراده سیاسی و تغییر نگاه به خود و جهان را نیز می‌طلبد. هزار و صد لوح گلی دوره هخامنشیان که آقای رئیس‌جمهور به عنوان سوغات سفر خود از نیویورک آوردند و مدیریت منابع، راه‌ها، روابط اجتماعی، نیازهای اساسی زندگی، دستمزدها و اقتصاد جامعه آن روز ایران را تا حدی بازگو می‌کند، شاید درس‌هایی از دلایل ماندگاری (و بعضا در اوج‌بودن) این سرزمین در منطقه‌ای که امروز خاورمیانه نام دارد و زادگاه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و البته جنگ‌ها و ستیزهاست، برای آموختن در خود داشته باشد. آموزه‌هایی همچون مدارا، همکاری و همزیستی با همگان برای کسب منفعتی ملی!

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۳۰۸۱ مورخ ۱۴۰۳.۷.۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی باقر ابراهیمی درچه ء فرزند براتعلی به شماره ملی ۶۲۱۹۴۱۷۴۷ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۱۷.۷۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۷۷۶ فرعی از۴- اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران حوزه ثبت زیبا دشت خریداری از مالک رسمی حیدرلوک زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت مالک صادر خواهد شد.

م الف ۱۳۹۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک زیبا دشت (تهران)

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مولوی تهران

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۴۲۰۰۰۵۴۹ مورخ ۱۴۰۳.۰۶.۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محمد یارمحمدی خیارک فرزند ایمانعلی بشماره شناسنامه ۱۶۲۱۷ صادره از یک قطعه زمین شش دانگ به مساحت ۴۴.۸۸ متر مربع از پلاک ۲۲۶ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی واقع در بخش ۶ خریداری از مالک رسمی آقای اسدالله رحمتی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین اگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۳۹۷۲ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی (تهران)

آگهی فقدان سند مالکیت پلاک ثبتی ۱۸۱۶۸ فرعی از ۳۶۵ اصلی

آقای سیدمهدی صدر پور با کد ملی ۴۴۷۹۶۳۹۴۰۳ باستناد وکالت نامه شماره ۶۷۶۸۱ مورخ ۱۳۹۴.۰۵.۱۳ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۹ بافق از طرف مالکین مشاعی پلاک ثبتی فوق ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه مصدق شده توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۲۰ تهران تحت شماره ۱۴۰۳۰۲۱۵۳۱۸۲۰۰۰۳۲۰ و ۱۴۰۳۰۲۱۵۳۱۸۲۰۰۰۳۱۹و۱۴۰۳۰۲۱۵۳۱۸۲۰۰۰۳۲۱ و۱۴۰۳۰۲۱۵۳۱۸۲۰۰۰۳۲۲ با رمز تصدیق ۹۲۶۹۶۰ و ۹۲۶۹۵۹ و ۹۲۶۹۶۲ و ۹۲۶۹۶۱ و درخواست وارده به شماره ۱۴۰۳۸۵۶۰۱۱۴۷۰۱۴۱۰۲ مورخ ۱۴۰۳.۰۶.۱۸ مدعی فقدان سند مالکیت پلاک ثبتی فوق بعلت جابجایی میباشند که مشخصات آن به شرح ذیل می باشد: سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان طلق به پلاک ثبتی ۱۸۱۶۸ فرعی از ۳۶۵ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۸۹۰ فرعی از اصلی مذکور، قطعه هشتم تفکیکی و واقع در جنوب طبقه دوم بخش ۱۰ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران استان تهران به مساحت ۸۷.۷۲ هشتاد و هفت متر و هفتاد و دو دسی متر مربع که (۲.۳۱) دو متر وسی و یک دسیمتر مربع آن بالکن است . لازم به ذکر است پلاک ثبتی فوق در اجرای بخشنامه ۲۳۵۱۱ مورخ ۱۳۹۱.۰۱.۲۹ بدلیل باقیمانده بودن از B۸۹۰ به ۱۸۱۶۸ تغییر یافته است. به انضمام پارکینگ قطعه چهار تفکیکی واقع در زیرزمین بمساحت ۱۱.۷۶ یازده متر و هفتاد و شش دسیمتر مربع، و انباری قطعه سه تفکیکی بمساحت (۱۲.۶۹) دوازده متر وشصت و نه دسی متر مربع واقع در زیرزمین، برابر سند انتقال قطعی بشماره ۱۳۰۵۳۴ مورخ ۱۳۸۰.۰۲.۱۳ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۲ تهران انتقالی از آقای کاظم فلاح تفتی بنام خانم سیده فاطمه صدر پوربافقی فرزند سید علی شماره شناسنامه ۵۴۹ تاریخ تولد ۱۳۵۰.۰۶.۲۵ صادره از بافق دارای شماره ملی ۴۴۷۹۷۷۰۹۴۱ و آقای فرهاد نوابی بافقی فرزند امان اله شماره شناسنامه ۹۳۵ تاریخ تولد ۱۳۴۸.۰۶.۰۱ صادره از یزد دارای شماره ملی ۴۴۳۱۵۴۹۴۶۳ ، بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان ذیل شماره ۱۸۸۹۱ و ۱۸۸۹۲ در صفحات ۱۷۸ و ۱۸۰ دفتر املاک جلد ۵۷ ثبت و اسناد مالکیت بشماره چاپی ۱۷۴۱۴۸ و ۱۷۴۱۴۹ سری الف ۷۹ صادر وتسلیم گردیده است. لذا با توجه به اعلام وکیل نامبردگان و فقدان سند مالکیت بعلت جابجائی منزل و درخواست صدور سند مالکیت المثنی ، در اجرای تبصره یک ذیل ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود میباشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد به اعتراض بدون ارایه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

م الف ۱۳۹۶۸ اداره ثبت اسناد و املاک زیبا دشت (تهران)

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم نفیسه عزیزی وسید مهدی هاشمی هر یک نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ با وکالت محمد رضا جعفر زاده فرد و معین قویدست برابر وکالت نامه۷۵۹۲۹ مورخ ۱۴۰۳.۵.۱۵ دفتر ۵۱۸ تهران با تسلیم ۴ برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۸۴۲۲۸۲ و ۹۸۳۹۴۴ مورخ ۱۴۰۳.۶.۲۸ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۰۵۰ تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۱۴۰۳۸۵۶۰۱۱۴۵۰۱۰۷۳۶ و ۱۴۰۳۸۵۶۰۱۱۴۵۰۱۰۷۳۷ مورخ ۱۴۰۳.۶.۲۵ مدعی فقدان اسناد مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی به مساحت ۹۳.۲۶ متر مربع که (۴.۵۹) چهارمتر و پنجاه و نه دسیمتر مربع آن پیشرفتگی بفضای خیابان است قطعه ۶تفکیکی واقع در شرق طبقه سوم به پلاک ثبتی ۲۸۱۴۸ فرعی از ۱۱۶ – اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۴۰۱۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۲ حوزه ثبت ملک سعادت آباد تهران استان تهران بانضمام انباری قطعه دوم به مساحت ۳.۸۰ متر مربع واقع در زیرزمین یک و یک واحد پارکینگ قطعه چهار به مساحت ۱۱.۵ متر مربع واقع در شرق راه پله طبقه همکف بقدرالسهم از عرصه ومشاعات بنام نفیسه عزیزی نسبت به سه دانگ مشاع ذیل ثبت دفتر الکترونیک ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۱۴۵۰۱۳۸۵۰ به شماره چاپی ۱۰۸۶۳۸ و بنام سید مهدی هاشمی نسبت به سه دانگ مشاع ذیل ثبت دفتر الکترونیک ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۱۴۵۰۱۳۸۵۱ به شماره چاپی ۱۰۸۶۳۹ صادر و تسلیم است.

محدودیت دفتر املاک: رهنی شماره ۳۶۸۰۷ مورخ ۱۴۰۱.۰۶.۰۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۰ شهر قم استان قم که بنفع بانک ملت به مبلغ۵۲.۰۰۰.۰۱۰.۰۰۰ ریال به مدت ۵ سال ثبت شده نظر به اینکه اصل اسناد مالکیت به علت اثاث کشی مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی آن را از این اداره نموده است. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم و یا وجود سند مالکیت آن نزد خود میباشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را کتبا" به ضمیمه اصل سند مالکیت به این منطقه تسلیم نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند مالکیت پس از ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شدوبه اعتراض بدون اراده اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی سند مالکیت المثنی پلاک مذکور صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

م الف ۱۳۹۶۹ اداره ثبت اسناد و املاک سعادت آباد (تهران)